

# شیوه‌نامه پژوهش و نگارش علمی

■ دکتر یزدان منصوریان<sup>۱</sup>

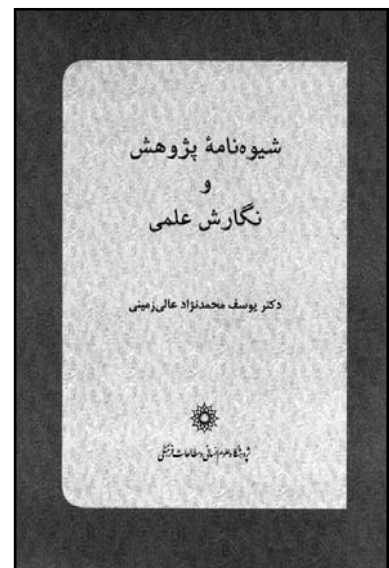
دانشیار دانشگاه خوارزمی

نیست، بلکه فرصتی برای نویسندگان فراهم می‌آورد که خلاقیت و نوآوری خود را، در بازبینی این قواعد ثابت و در قالب‌های نو، عرضه کنند. معمولاً این نوآوری‌ها در شکل‌های گوناگونی دیده می‌شود. مثلاً برخی از این آثار فقط به یک روش یا رویکرد خاص محدودند تا فرصت بیشتری برای پرداختن به جزئیات مورد نیاز خوانندگان فراهم آید (به‌عنوان مثال: استراوس و کوربین، ۱۳۹۰؛ محمدپور، ۱۳۸۹). در مقابل، برخی از آنها نیز قلمرو موضوعی خود را گسترده انتخاب می‌کنند تا جامعیت بیشتری داشته باشند. بعضی از این منابع نیز فقط به یک رشته خاص می‌پردازند؛ و برخی دیگر رویکرد میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای دارند تا جامعه مخاطبان بزرگتری را پوشش دهند.

از زاویه‌ای دیگر و از نظر دامنه بحث، می‌توان این آثار را به سه دسته اصلی تقسیم کرد: دسته نخست شامل کتاب‌هایی است که فقط به فرایند تحقیق اختصاص دارند و مراحل پژوهش را گام‌به‌گام معرفی می‌کنند (به‌عنوان مثال: دلاور، ۱۳۸۹؛ خوی‌نژاد، ۱۳۸۰)؛ گروه دوم بر اصول و مبانی نگارش علمی تأکید دارند (به‌عنوان مثال: سمیعی، ۱۳۸۷؛ حری، ۱۳۸۵؛ فتوحی، ۱۳۸۹)؛ و سومین گروه به هر دو بحث پژوهش و نگارش می‌پردازند. در این میان، کتاب شیوه‌نامه پژوهش و نگارش علمی در گروه سوم قرار می‌گیرد، زیرا دامنه موضوعی گسترده و رویکردی فرارشته‌ای دارد و هم‌زمان به دو مقوله پژوهش و نگارش می‌پردازد.

## درباره نویسنده

نویسنده این کتاب، دکتر یوسف محمدنژاد عالی‌زمینی، عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی<sup>۲</sup> و مأمور در پژوهشکده ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. بر اساس اطلاعات موجود در سایت این پژوهشگاه<sup>۳</sup>، ایشان دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه شهید چمران اهواز هستند و در کارنامه خود آثار متعددی اعم از مقالات و همکاری در طرح‌های پژوهشی فراوان دارند. از آن جمله، می‌توان به مشارکت در طرح‌هایی نظیر «بررسی ساختار برنامه‌ریزی درسی رشته زبان و ادبیات فارسی»، «بررسی عملکرد هیأت‌های امنای



■ محمدنژاد عالی‌زمینی، یوسف. شیوه‌نامه پژوهش و نگارش علمی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱. ۲۶۴ ص، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۳۶-۵۵۷-۰.

## مقدمه

کتاب‌های روش تحقیق و نگارش علمی همچون نقشه راهی عمل می‌کنند تا محققان مسیر پژوهش را بر اساس شیوه‌ای منظم و مدون ببینند و گزارش مطالعات خود را مبتنی بر اصول علمی تدوین کنند. به این ترتیب، آنان از یک سو می‌توانند اطمینان بیشتری به درستی یافته‌های خود داشته باشند، و از سوی دیگر مطالبی منتشر کنند که نزد مجامع تخصصی از مقبولیت بیشتری برخوردار باشد.

با توجه به استاندارد بودن مبانی پژوهش و نگارش علمی، شباهت‌های این آثار بیش از تفاوت‌هایشان است. بدیهی است که این شباهت‌ها از یک سو اجتناب‌ناپذیر است و از سوی دیگر بازتاب همان قواعد ثابتی است که بر فرایند پژوهش سایه افکنده و همچون رشته‌ای نامرئی این آثار را به هم می‌پیوندد. البته هم‌پوشانی ساختار و محتوا نه تنها مانعی در راه انتشار منابع جدید

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی» و طرح «تدوین طرح‌نامه، گزارش علمی، مقاله و پایان‌نامه دانشجویی» اشاره کرد. علاوه بر این، ایشان در زمینه ویرایش نیز فعال‌اند و به‌عنوان ویراستار ادبی با نشریاتی همچون «فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی» و «نامه آموزش عالی» از انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی همکاری می‌کنند.

### معرفی کتاب

کتاب حاضر از ۵ فصل تشکیل شده است. فصل اول، که ۷۸ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده، یکی از طولانی‌ترین فصول کتاب است و با عنوان کلی «پژوهش» کلیاتی درباره مفهوم تحقیق و مؤلفه‌های مهم آن ارائه می‌کند. هرچند این فصل نسبتاً مفصل است، به سبب گستردگی مفهوم پژوهش، آنچه در آن مطرح شده در حد همان تعاریف پایه، کلیات و مباحث مقدماتی باقی مانده و طبیعی است که نویسنده، به علت حجم محدود کتاب، امکان پرداختن به جزئیات بیشتر را نداشته است؛ زیرا دامنه‌ای که برای این فصل در نظر گرفته شده بسیار وسیع‌تر از آن است که امکان تبیین همه محورهای بحث در یک فصل میسر باشد. به سخن دیگر، هریک از این محورها، خود، موضوع کتاب‌ها و آثار متعدد هستند که حتی اشاره به مبانی هر کدام نیازمند انتشار آثاری مستقل است. مثلاً ۷ صفحه از این فصل (از صفحه ۳۸ تا ۴۵) به معرفی روش‌های پژوهش کیفی اختصاص یافته و به برخی از روش‌های آن نظیر تحلیل محتوا، پدیدارشناسی و قوم‌نگاری، در حد ۲ یا ۳ پاراگراف اطلاعات دانشنامه‌ای (دایره‌المعارفی)، اشاره شده است. همچنین، در صفحات ۴۶ تا ۵۰، توضیح کوتاهی درباره پژوهش‌های غیر آزمایشی، شبه آزمایشی، زمینه‌یابی، پیمایشی، همبستگی و پژوهش تاریخی ارائه شده، که بسیار مختصرتر از آن است که خواننده ناآشنا با این روش‌ها بتواند تصویر روشنی از هر یک در اختیار داشته باشد.

این نگاه کلی و گذرا در سایر بخش‌های این فصل نیز دیده می‌شود و مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده در آن عبارت‌اند از: تعریف پژوهش، روش علمی، طرح پژوهش، هدف تحقیق، فرضیه، انواع متغیرها، طبقه‌بندی انواع تحقیق، جامعه و نمونه آماری، شیوه‌های تحلیل، و اشاره به محدودیت‌های تحقیق.

فصل دوم، که با حجمی برابر با ۴۰ صفحه تقریباً نصف فصل اول است، با عنوان «گزارش پژوهش» به معرفی انواع گزارش‌های رسمی، غیر رسمی، کتبی و شفاهی اختصاص دارد. ساختار، عناصر و اجزای گزارش، نظیر مقدمه، متن یا بدنه، از جمله مباحث مطرح‌شده در این قسمت است. چگونگی ارزیابی محتوا و ساختار گزارش‌های علمی بخش پایانی فصل دوم است.

فصل سوم، که با حجمی برابر با ۱۳ صفحه کوتاه‌ترین فصل کتاب است، به اختصار، به تعریف مقاله، پیشینه مقاله‌نویسی در ایران و جهان، انواع مقاله و ساختار آن می‌پردازد. جای مثال‌های ساده و روشن در این فصل بسیار خالی است. زیرا خوانندگان کتاب‌هایی

که در قالب دستنامه و شیوه‌نامه نوشته می‌شوند به مثال‌های واقعی برای آموختن چگونگی پیوند مبانی نظری با مهارت‌های عملی نیاز دارند. مثلاً، وقتی در صفحه ۱۳۵ توصیه می‌شود که عنوان مقاله باید بیان‌کننده محتوا، متناسب با موضوع، کوتاه، جامع و مانع باشد، خواننده انتظار دارد حداقل چند عنوان واقعی برخوردار از این ویژگی‌ها را مشاهده کند. نویسنده، به ویژه در این موارد، می‌تواند با مقایسه چند عنوان واقعی بر وجه کاربردی اثر خود بیفزاید و به خواننده نشان دهد که چه تفاوتی میان یک عنوان ضعیف با عنوانی جذاب و شفاف وجود دارد.

فصل چهارم درباره پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی است که مطالب آن، همچون فصل پیشین، بسیار کلی است و به معرفی ساختار و محتوای پایان‌نامه می‌پردازد. به ویژه این ایجاز و اختصار در ساختار پایان‌نامه به حدی است که فقط شامل کلیات پایه این مبحث است و خواننده را با پرسش‌های بی‌پاسخ در این زمینه تنها می‌گذارد. نظر به اینکه مخاطب اصلی این اثر دانشجویان هستند و آنان در تدوین پایان‌نامه با مشکلات و ابهام‌های متعدد مواجه‌اند، ای‌کاش سهم بیشتری از کتاب به این بخش اختصاص می‌یافت تا بر وجه کاربردی آن افزوده می‌شد.

فصل پنجم آخرین و طولانی‌ترین فصل کتاب است و با اختصاص ۹۰ صفحه از حجم این اثر بخش عمده‌ای از آن را شامل می‌شود. آنچه در این فصل گرد آمده مجموعه‌ای جامع از اصول و مبانی نگارش علمی به شمار می‌آید که شامل قواعد کلی نگارش نظیر عنوان‌بندی، پاراگراف‌بندی، شیوه‌های ارجاع، استناد و نکات سجاوندی است. نویسنده، در آغاز این فصل، در مقدمه‌ای در صفحه ۱۷۳ می‌نویسد:

«هر نویسنده یا مؤلفی قاعدتاً زمانی دست به کار نوشتن یا تألیف یک اثر می‌برد که احساس کند حرف‌هایی تازه و خواندنی برای دیگران دارد و یا دست‌کم حرف‌هایی را که دیگران پیش از او زده‌اند، او در قالبی بهتر یا با زبان و بیانی رساتر می‌تواند بازگو کند. همچنین اطمینان نسبی دارد که علاقه‌مندی هم برای شنیدن و خواندن این حرف‌ها وجود دارند. از این رو می‌توان گفت که هر نوشته‌ای محصول احساس آگاهی نویسنده و نیازمندی و علاقه خواننده است.»

به این ترتیب، نویسنده به درستی به اهمیت دو مؤلفه دانش پدیدآور و جایگاه نیاز مخاطب در فرایند پیدایش آثار تأکید می‌کند. همین دو نکته مبنای محکم و استواری برای شروع این فصل است، که در ابتدا به خوبی به آن اشاره شده است. خوشبختانه فصل پنجم، بر خلاف فصل‌های پیشین، با پرداختن به جزئیات بیشتر و آوردن مثال‌های کافی، تعادلی میان دو وجه نظری و کاربردی اثر ایجاد می‌کند؛ به این معنا که تکیه اصلی ۴ فصل پیشین بیشتر بر مبانی نظری پژوهش و نگارش است و فصل پنجم بیشتر جنبه دستنامه‌ای و شیوه‌نامه‌ای دارد. پس از فصل پنجم، فهرست منابع و دو پیوست - که یکی مربوط به طرح‌نامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دیگری درباره جلسه دفاع است - بخش

پایانی کتاب را تشکیل می‌دهند. البته جای نمایه موضوعی در پایان کتاب خالی است که امیدوارم در ویرایش بعدی به آن افزوده شود.

### امتیازها و کاستی‌ها

کتاب شبه‌سالنامه پژوهش و نگارش علمی به چند دلیل اثری سودمند محسوب می‌شود و تلاش نویسنده در تدوین آن ارزشمند و قابل تقدیر است. نخست آنکه این کتاب، در عین ایجاز و گزیده‌گویی، از جامعیت فراوانی برخوردار است و به بسیاری از وجوه پژوهش و نگارش علمی می‌پردازد. البته همین جامعیت و گستردگی امکان پرداختن به جزئیات را از نویسنده سلب کرده است و خواننده، در بسیاری از مباحث، فقط تعاریف و کلیاتی اجمالی از مباحث را می‌بیند.

امتیاز دیگر این اثر در نثر سلیس و روان آن نهفته، که بازتابی از تخصص نویسنده در زبان و ادبیات فارسی و تجربه ایشان در ویرایش ادبی است. در نتیجه، خواننده می‌تواند به‌سادگی مطالب ارائه‌شده را پیگیری کند و نمونه‌ای از متنی یکدست و منسجم را ببیند.

البته، در کنار این امتیازها، کاستی‌هایی نیز دیده می‌شود، که امید است در ویرایش‌های بعدی کتاب اصلاح شود. مثلاً، یکی از این کاستی‌ها ناشی از کم‌رنگی سهم نویسنده در ارائه تعاریف به قلم خویش، و تکیه مفرط دراستناد به آثار موجود است؛ به این معنا که خواننده، در بخش‌هایی از کتاب، به‌جای نظر نویسنده درباره بعضی مباحث، فقط گزیده‌ای از تعاریف برگرفته از آثار دیگران را می‌بیند. در نتیجه، این اثر در بخش‌هایی، بیش از آنکه تألیفی به نظر برسد، گردآوری است. مثلاً در صفحه‌های ۱۲۱ و ۱۲۲، که به تعریف «مقاله» اختصاص دارد، نویسنده فقط به ارائه چند تعریف از «لغت‌نامه دهخدا»، «دایرةالمعارف فارسی» (به سرپرستی غلامحسین مصاحب)، و یک اثر دیگر اکتفا می‌کند و تعریف خود را در این زمینه نمی‌نویسد. البته استناد به آثار مرتبط پیشین بسیار پسندیده و کاملاً پذیرفته‌شده است، اما خواننده یک اثر تازه انتظار دارد نویسنده، در کنار مطالب موجود، با ارائه تعریفی نوین، گامی فراتر از مرزهای موجود بردارد و سهم خود را در گسترش موضوع مورد مطالعه نشان دهد. بنابراین، ای‌کاش نویسنده محترم، در کنار استنادها، با طرح دیدگاه‌ها و نظرات خود درباره مؤلفه‌ها و مفاهیم اصلی مورد بحث در کتاب، بر وجه تألیفی آن می‌افزود و از وجه گردآوری آن می‌کاست. نکته دیگر مربوط به اشکالاتی است که در برخی از استنادها وجود دارد. مثلاً در صفحه ۱۴۶ به مدیرامانی، ۱۳۸۱ استناد شده است، اما اثری از این منبع در فهرست منابع دیده نمی‌شود. در مثالی دیگر، همین مشکل در صفحه ۵۰ با استناد به خوی‌نژاد، ۱۳۸۰ وجود دارد. همچنین، به‌جز در مواردی معدود، در بیشتر متن کتاب «نیم‌فاصله» در کلمه‌های ترکیبی رعایت نشده است و این مشکل از زیبایی و خوانایی متن می‌کاهد. مثلاً، کلمه‌هایی نظیر «پایان‌نامه‌ها، نمایه‌نامه‌ها، پرسش‌ها، و فرضیه‌ها» به‌صورت «پایان نامه‌ها، نمایه نامه‌ها، پرسش‌ها، و فرضیه‌ها» و «می‌شود، می‌تواند و بهره‌گیری» به صورت «می‌شود، می‌تواند و بهره

گیری» نوشته شده است.

پاره‌ای از اشتباه‌های تاپی جزئی نیز در بخش‌هایی از کتاب دیده می‌شود که در نمونه‌خوانی نهایی از قلم افتاده است. مثلاً، در صفحه ۶۶ در بخش روش‌های کمی، به روش‌های «توسعی» اشاره شده که احتمالاً یا توصیفی بوده است یا توسعه‌ای؛ و در صفحه ۲۶۴ پایان‌نامه به‌اشتباه «پان‌نامه» تایپ شده است.

### سخن پایانی

کتاب حاضر تصویری کلی از فرایند پژوهش و نگارش علمی ترسیم می‌کند که بی‌تردید مطالعه آن برای دانشجویان مقاطع مختلف مفید است. اما، از آنجا که دامنه موضوع مورد بحث در این کتاب بسیار وسیع و گسترده است، نویسنده امکان طرح بسیاری از جزئیات را نداشته، و ناگزیر بوده است با ایجاز و اختصار فراوان از کنار بسیاری از مباحث اساسی عبور کند. مثلاً مطالب ارائه‌شده درباره انواع و ساختار مقاله در فصل سوم بسیار محدود و گذراست، به‌نحوی که بسیاری از پرسش‌های خوانندگان در این زمینه بی‌پاسخ می‌ماند. همین مشکل در معرفی انواع پژوهش در فصل نخست نیز دیده می‌شود. در نتیجه، خواننده با پرسش‌هایی مواجه می‌شود که برای یافتن پاسخ آنها باید به آثار دیگر مراجعه کند. با این حال، این رویکرد کلی و عمومی چیزی از ارزش کوشش نویسنده در اشاره به اصول و مبانی تحقیق نمی‌کاهد. امیدوارم در ویرایش بعدی، با افزودن مثال‌های عینی و توضیحات تکمیلی، بر سودمندی این اثر افزوده شود.

### پی‌نوشت‌ها

1. mansourian@tmu.ac.ir
2. http://www.irphe.ir
3. http://www.ihcs.ac.ir

### مآخذ

- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- حری، عباس (۱۳۸۵). آیین نگارش علمی، تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- خوی‌نژاد، غلامرضا (۱۳۸۰). روش‌های پژوهش در علوم تربیتی، تهران: سمت.
- دلاور، علی (۱۳۸۹). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، ویراست چهارم، تهران: نشر ویرایش.
- سمیعی، احمد (۱۳۸۷). نگارش و ویرایش، چاپ نهم، تهران: سمت.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۹). آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی، ویرایش دوم، تهران: سخن.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). ضدروش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی (ج ۱)، تهران: جامعه‌شناسان.

**کتاب حاضر تصویری کلی از فرایند پژوهش و نگارش علمی ترسیم می‌کند که بی‌تردید مطالعه آن برای دانشجویان مقاطع مختلف مفید است**